

بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط با آن

An Investigation into the Tendency Toward Migration Among Youth in Kabul and Its Associated Factors

پوهندوی دکتر سید عبدالصمد مشتاق^۱ و عبدالواحد بختیاری^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n20.2025

چکیده

در سال های اخیر افزایش مهاجرت ها در نقاط گوناگون جهان خصوصا از کشورهای جهان سوم و عقب افتاده به کشورهای مدرن و توسعه یافته یکی از موضوعات مهم اجتماعی قلمداد میشود، که هم کشورهای مبدأ و هم کشورهای مقصد با آن دست و پنجه نرم می کنند، افغانستان نیز یکی از کشورهای است که از این امر مبرا نیست، مهاجرت جوانان و گرایش جوانان به مهاجرت در این جامعه پیشینه دیرینه دارد و به یکی از چالش ها و نگرانی های جدی اجتماعی تبدیل شده است، در این تحقیق کوشش به عمل آمده است که میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن با توجه به دید و نگرش افراد این جامعه مورد بررسی قرار گیرد. چارچوب نظری این تحقیق از نظریه های چون جاذبه و دافعه، شبکه مهاجرت و محرومیت نسبی بصورت تلفیقی ترتیب گردیده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شهر کابل و به تعداد ۱۱۵ تن از شهروندان این جامعه به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده اند. داده های میدانی تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS در سه سطح آمار توصیفی، آمار تحلیلی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل بالا بوده و عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، محرومیت نسبی و شبکه مهاجرت نقش موثر در گرایش جوانان به مهاجرت دارند و با توجه به نگرش شهروندان جامعه اشتغال زایی، فراهم نمودن امکانات تحقیقی و آموزشی در داخل کشور میتواند نقش مهمی در کاهش میزان گرایش به مهاجرت جوانان داشته باشند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، محرومیت نسبی، مشکلات اقتصادی، بی ثباتی سیاسی، جوانان، ارتباطات

^۱ استاد دبیرارتمنت جامعه شناسی پوهنځی علوم اجتماعي پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، 0772194096، abdulsamad.moshtaq@gmail.com

^۲ محصل دوره ماستری رشته جامعه شناسی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل.

انسان از ابتدای زندگی خود دست به مهاجرت به شکل‌های گوناگونی زده است. بسیاری از این مهاجرت‌ها به دلیل درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، جنگ، بلایای طبیعی مانند قحطی، زلزله، سیل، طوفان و... بوده است. در کنار این انگیزه‌های اقتصادی در جهت داشتن زندگی بهتر و مرفه‌تر نیز بدون تأثیر نبوده است و بر روند مهاجرت تأثیر گذار بوده است (محمدی و جعفری، ۱۳۹۸: ۱۰۴). بنا براین مهاجرت یک پدیده اجتماعی می‌باشد که در طول تاریخ، جوامع مختلف با آن مواجه بوده‌اند. و در شرایط کنونی با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در کشورهایی در حال توسعه اتفاق می‌افتد، مهاجرت به یکی از چالش‌های اصلی این جوامع تبدیل شده است. در افغانستان به ویژه شهرکابل این پدیده در میان جوانان سیر صعودی داشته و جوانان به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی، نبود تنوع سیاسی، و مشکلات اجتماعی تصمیم به ترک کشور گرفته و در جستجوی فرصت‌هایی بهتر در سایر کشورها می‌باشند. انجام تحقیقات در زمینه مهاجرت جوانان به خارج از کشور علاوه بر این که عوامل مؤثر بر این پدیده را شناسایی میکند، به بررسی دیدگاه‌های عمده در جامعه شناسی پرداخته و راه را برای گسترش دیدگاه‌های جدید هموار می‌سازد (راهشخو و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). همچنان منجر به درک بهتری از این پدیده گردیده و می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا راهکارهای مناسبی را برای کاهش مهاجرت جوانان و ایجاد فرصت اشتغال در داخل کشور روی دست گیرند.

در مقاله حاضر ابتدا بیان مسئله، سؤالات و اهداف تحقیق ارائه شده، سپس مروری بر تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع صورت گرفته است، در گام بعدی مبانی نظری، چارچوب نظری، فرضیه‌ها، مدل و روش تحقیق مورد بحث قرار گرفته‌اند و در ادامه تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه شده است.

بیان مسئله

حرکت مردم از یک جا به جای دیگر پدیده تاریخی و بسیار کهن می‌باشد، حملات، کشور گشایی‌ها، هجرت‌ها و جابجایی‌های موسومی یا فصلی در جوامع گوناگون و در ادوار مختلف تاریخ بشر ثبت گردیده است، مهاجرت نیز یک پدیده‌ای است که همواره همدم و هم‌آغوش بشر بوده و ازسپیده دم تاریخ بشری و بدو تولد انسانها تا به امروز به شیوه‌ها و چهره‌های گوناگون جریان و ادامه داشته است.، مثلاً؛ مهاجرت آریائی‌ان ۲۵۰۰ سال ق م، و ورود شان به افغانستان قدیم (آریانا)، مهاجرت‌ها به آمریکا و استرالیا بعد از کشف آن قاره‌ها، مهاجرت‌ها بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم و غیره. بنا بر این مهاجرت یکی از اساسی‌ترین و محوری‌ترین پدیده علوم انسانی و اجتماعی را تشکیل میدهد و مربوط به یک کشور یا محدوده جغرافیایی خاص نیست، بلکه اکثر کشورها این پدیده را تجربه کرده و یا هم به نحوی با آن درگیر هستند، با این تفاوت که چگونگی به میان آمدن این پدیده و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای مختلف متفاوت است.

مهاجرت مثل هر پدیده اجتماعی دیگر دارای تعریف واحد نیست و دانشمندان با توجه به طرز دید و نوع نگاه شان نسبت به پدیده‌های اجتماعی تعاریف گوناگون از مهاجرت ارائه کرده‌اند، و از ابعاد و زوایای مختلف این پدیده را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند، که به ذکر برخی از آنها پرداخته خواهد شد.

1. مهاجرت به تحرک جمعیت از یک محل جغرافیایی به محل دیگر اطلاق میشود (کوبن، ۱۳۸۶: ۳۴۰).
2. مهاجرت به معنای عام عبارت است از ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگر بطور دایم یا موقت، و در معنای خاص عبارت است از نقل مکان انفرادی یا جمعی انسانها یا تغییر محل اقامت بطور دایم یا برای مدت طولانی

(راهشخو و دیگران، ۸۴: ۱۳۹۱).

3. بر اساس نظریه اوت لی مهاجرت عبارت است از "تغیر دایمی و یا نیمه دایمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت، همچنین بدون هیچگونه تمایز بین مهاجرت داخلی یا خارجی (شرفی و مقدس، ۱۳۸۸: ۱۶۴).
4. تعریفی دیگری که از مهاجرت وجود دارد و مهاجرت بین‌المللی را از مهاجرت داخلی جدا میکند، عبارت است از تغییر محل اقامت، ضمن عبور از مرزهای سیاسی برای مدت بیش از یک سال (موسوی وزرقانی، ۱۳۹۲: ۹).

و اما **مهاجر کیست**؟ بر اساس تعریف سازمان ملل مهاجر کسی است که به کشوری غیر از کشورهایی که تابعیت آن را دارا می باشد وارد شده و حد اقل ۱۲ ماه در آنجا اقامت می‌گزیند (UN, 11998; 4_5) (شرفی و مقدس، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

گرایش در لغت به معنای میل و رغبت می باشد و نوعی آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است، آلپورت معتقد است که گرایش یک آگاهی ذهنی را برای یک عمل خاص می‌رساند (همان، ص ۱۷۴).

در میان افرادی که در گروه‌های سنی مختلف اقدام به مهاجرت می‌کنند نقش جوانان به عنوان سرمایه انسانی و اعضای فعال جامعه همواره بسیار پررنگ جلوه‌نمایی کرده و می‌کند، روند تصاعدی و رو به رشد مهاجرت جوانان زنگ خطری برای هر کشور و جامعه‌ای تلقی می‌گردد، در دوران کنونی که توسعه و ترقی هر کشور بیش از هر عامل دیگر به نیروی انسانی جوان و فعال متکی است، بی‌توجهی به نیروی انسانی خصوصاً نسل جوان و مهاجرت این گروه باعث از دست دادن ثروت عظیمی از جامعه گردیده و نتایج زیانباری در قبال خواهد داشت.

افغانستان یکی از کشورهای است که از این امر مستثنا نبوده، مهاجرت در آن سابقه دیرینه و پیشینه تاریخی دارد، در طی پنج دهه اخیر، تحولات سیاسی و جنگ‌های داخلی مهاجرت از این کشور بیشتر گردید و میلیون‌ها نفر از شهروندان افغانستان مهاجرت نمودند، بویژه جوانان و به سایر کشورها خصوصاً کشورهای همسایه جابجا شدند، هرچند آمار و ارقام دقیق و مشخص در مورد مهاجرت جوانان از افغانستان و میزان گرایش آنها به مهاجرت در دست نیست، اما بر اساس شواهد و قرائن میتوان ادعا کرد که سطح مهاجرت و میزان گرایش به مهاجرت در سال‌های اخیر در کشور یک بار دیگر سیر صعودی داشته و تعدادی زیادی از اقشار مختلف جامعه خصوصاً جوانان بنا به انگیزه‌ها و دلایل گوناگون راه مهاجرت را از مسیرهای قانونی و یا غیرقانونی درپیش گرفته و اقدام به مهاجرت کردند، و هم‌چنان جوانانی وجود دارد که به شدت گرایش و تمایل به مهاجرت دارند و به دنبال فرصت مناسب بوده و لحظه شماری میکنند تا بتوانند از هر طریق ممکن از افغانستان بیرون شده به کشور مقصد برسانند. افزایش پدیده مهاجرت، تبعات و پیامدهای منفی فردی و جمعی نیز در قبال دارد مثلاً؛ از دست دادن نیروی فعال جامعه که عبارت از جوانان بوده و ستون فقرات جامعه و کشور را تشکیل میدهند، فرار سرمایه، فرار مغزها، خطرات و مشکلات ترانسپورتی و امنیتی در مسیر رسیدن به کشور مقصد، تحت نفوذ فرهنگ بیگانه قرار گرفتن، توهین و تحقیر، درگیر شدن با شغل‌های سخت و توهین آمیز، مبتلا شدن به برخی امراض ساری، وغیره... هرگاه چنین وضعیتی تداوم یافته و عوامل موثر برگرایش جوانان به مهاجرت به صورت درست و با رویکرد علمی - تحقیقی شناسایی نشود نتایج ناگواری برای آینده جامعه رقم خواهد خورد که جبران آن آسان نخواهد بود. و مهاجرت یک پدیده زیان‌آور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (بارز، ۱۳۸۸: ۳۵۸).

بنا بر این تحقیق حاضر به دنبال این است تا روشن سازد جوانان به چه میزان و یا اندازه به مهاجرت گرایش دارند و چه عواملی بر گرایش جوانان به مهاجرت نقش و تاثیر دارد تا بتوانیم عوامل موثر بر میزان گرایش جوانان به مهاجرت را دریافته و راه حل های مناسبی را برای جلوگیری از گرایش جوانان به مهاجرت پیشنهاد نمایم.

اهمیت تحقیق

تحقیق حاضر با رویکرد پیمایشی و همچنان از لحاظ نظری و عملی درصدد تبیین میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن است، انتظار میرود این تحقیق بتواند عوامل موثر بر میزان گرایش به مهاجرت را در بین جوانان شهر کابل شناسایی نماید و نتایج آن مورد استفاده دولت مردان و مسئولان امور قرار گیرد تا بتوانند در جهت پیشگیری از پدیده مهاجرت بکار ببرند.

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق قرار ذیل است.

هدف اصلی: ۱- بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل.

هدف فرعی: ۲- شناسایی عوامل گرایش جوانان شهر کابل به مهاجرت.

سوالات تحقیق

سوالات تحقیق قرار ذیل می باشد.

سوال اصلی: ۱- میزان گرایش جوانان به مهاجرت در شهر کابل چه قدر می باشد ؟

سوال فرعی: ۲- عوامل گرایش جوانان شهر کابل به مهاجرت چیست ؟

پیشینه تحقیق

درمجموع تحقیقات و بررسی های متنوع و گسترده ای در خصوص تمایل به مهاجرت انجام شده است که در این جا به برخی از این تحقیقات و مهم ترین یافته های آنها اشاره میشود.

دکتر مجید موحد و صغری نیازی در مقاله ای تحت عنوان "رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان" دریافته اند که زنان در خانواده عاملان اصلی جامعه پذیری فرزندان محسوب میشوند، به نظر میرسد که می توانند نقش موثری در مهاجرت خود و دیگر اعضای خانواده داشته باشند. بنابراین نحوه نگرش زنان نسبت به موضوع مهاجرت بر نگرش و گرایش فرزندان بسیار موثر می باشد، همچنان که نتایج نشان داده ویژه گی های فرهنگی یکی از عوامل موثر بر گرایش به مهاجرت است (نیازی و موحد، ۱۳۸۷: ۵۰).

علی اصغر مقدس و ذکيه شرفی مقاله ای تحت عنوان "بررسی عوامل بر انگیزنده گرایش به مهاجرت های بین المللی جوانان ۱۸ الی ۳۰ ساله شهر شیراز" به نشر رسانیده اند، نتایج آن نشان میدهد که از بین عوامل بر انگیزنده گرایش به مهاجرت به ترتیب اولویت عامل اجتماعی فرهنگی به عنوان مهم ترین علل بر انگیزنده مهاجرت از سوی جوانان بیان شده است، همچنان عامل آموزشی دومین عامل در تمایل به مهاجرت بیان شده است، عامل اقتصادی به عنوان عامل دیگر انگیزه های تمایل به مهاجرت جوانان بیان شده است و عامل سیاسی شامل عامل دیگری است در برانگیختن گرایش به مهاجرت جوانان (شرفی و مقدس، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

یعقوب فروتن و مرتضی شیخ مقاله ای را تحت عنوان " بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین المللی " به نگارش در آورده اند، مطابق نتایج تحقیق حاضرزنان بیش از مردان تمایل به مهاجرت دارند، همچنین تحقیق حاضر نشان میدهد که میزان تمایل به مهاجرت بطورمعنی داری تابع دومتغیرکلیدی جمعیت شناختی (سن و وضعیت تاهل) است، مجردین بیشتر از متأهلین و افراد واقع در جوان ترین گروه سنی (۱۸ الی ۲۲ ساله) بیش از سایر گروه های سنی تمایل به مهاجرت دارند (فروتن و شیخ، ۱۳۹۶: ۷۵).

یونس اکبری درمقاله ای را تحت عنوان " فهم ذهنی مهاجران از جاذبه و دافعه مقصد و مبدا مهاجرت " به نگارش در آورده است، که نتایج آن چنین است " مهاجران در مبدا و مقصد با دافعه ها و جاذبه های مواجه هستند و براساس برخی از عوامل عزم به حرکت ازسوی مبدا به مقصد میکنند. جنبه های اقتصادی، معیشتی و شغلی عامل اصلی مهاجرت از حاشیه ها به سوی مرکز است. به عبارتی عدم توسعه یافتگی در مبدا سبب شده دافعه هایی مانند بیکاری و وضعیت نا مطلوب اقتصادی و فقر گریبان گیر افراد شود و در نتیجه به سمت وسوی مناطق توسعه یافته تر که امکان بدست آوردن شغل در آنجا برای آنها بیشتر است مهاجرت کنند (اکبری، ۱۳۹۹: ۳۳۸).

سعیده بزرگ زاد، شهلا کاظمی پور و رضاعلی محسنی مقاله ای تحت عنوان " نگرش نخبگان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی - تحقیقی در مبدا و مقصد و تاثیر آن بر گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور " به نشر رسانیده اند که نتایج آن چنین است؛ عمده ترین عوامل دافعه مبدا و جاذبه مقصد که توسط پاسخگویان در مورد گرایش و تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور مطرح شده است عبارتند از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و علمی - تحقیقی در مبدا و وجود فرصت های مناسب در این عرصه ها در مقصد میباشد (بزرگ زاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

جدول شماره ۱: تلخیص پیشینه تحقیق

شماره	عنوان تحقیق	سال تحقیق	نام محقق	یافته های تحقیق
۱	رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان.	۱۳۸۷	دکتر مجید موحد و صغری نیازی	به نظر میرسد زنان نقش موثری در مهاجرت خود و دیگر اعضای خانواده داشته باشند. میزان دینداری و احساس تعلق به وطن یکی از ویژه گی های فرهنگی در رابطه به مهاجرت است.
۲	بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت های بین المللی جوانان ۱۸ الی ۳۰ ساله شهر شیراز.	۱۳۸۸	علی اصغر مقدس و ذکیه شرفی	عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت عبارتند از -عامل اجتماعی و فرهنگی: نابرابری اجتماعی، عدم امنیت، کمبود امکانات زنده گی و غیره. -عامل آموزشی: نیاز به پیشرفت تحصیلی، عدم امکانات تحقیقی، پائین بودن کیفیت نظام آموزشی در کشور مبدا.

				-عامل اقتصادی: بیکاری، نداشتن شغل مناسب، عدم تناسب در آمد با هزینه. -عامل سیاسی: ناامنی سیاسی، عدم آزادی سیاسی، نارضایتی از عملکرد نهاد های حکومتی.
۳	بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت های بین المللی.	۱۳ ۹۶	یعقوب فروتن و مرتضی شیخ	میزان تمایل به مهاجرت تابع دو متغیر کلیدی جمعیت شناختی (سن و وضعیت تاهل) است. مجردین بیشتر از متاهلین و گروه سنی ۱۸ الی ۲۲ بیشتر از سایر گروه تمایل به مهاجرت دارند.
۴	فهم ذهنی مهاجران از جاذبه و دافعه مقصد و مبدا مهاجرت.	۱۳ ۹۹	یونس اکبری	عدم توسعه یافتگی در مبدا سبب شده دافعه هایی مانند بیکاری، وضعیت نامطلوب اقتصادی و فقر گریبانگیر افراد شود و درنتیجه به سمت و سوی مناطق توسعه یافته تر که امکان بدست آوردن شغل در آنجا بیشتر است مهاجرت کنند.
۵	نگرش نخبگان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی تحقیقی در مبدا و مقصد و گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور.	۱۳ ۹۹	سعیده بزرگ زاد، شهلا کاظمی و رضا علی محسنی	عمده ترین عوامل که باعث گرایش نخبگان به مهاجرت میشوند عبارتند از عوامل اجتماعی، اقتصادی و علمی - تحقیقی در مبدا و مقصد میباشند.

اکثرا تحقیقات ذکر شده به عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهاجرت پرداخته اند، اما جامعه آماری اکثر این تحقیقات افغانستان و یا شهر کابل نبوده است و محققان عوامل مهاجرت را بر اساس جامعه خود شان بررسی نموده اند و درعین حال تحقیق حاضرین مزیت را دارد و به دنبال آن است که به مرحله و شرایط پیش از مهاجرت واقعی تمرکز کند و این امری است که تا کنون در مورد مهاجرت جوانان افغانستان خصوصا شهر کابل نادیده گرفته شده است، هم چنان برخی از این تحقیقات به مهاجرت نخبگان، متخصصان، دانشجویان و یا مهاجرت زنان و دختران اشاره دارند، درحالیکه تحقیق حاضر بدنبال بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن می باشد؛ جنسیت، میزان سواد یا هم تخصص فرد در نظر نیست.

مبانی نظری تحقیق

از بررسی و مطالعه دیدگاه‌ها و نظریه‌های که به نحوی ارتباط با پدیده مهاجرت و عوامل مرتبط به آن دارند، دیده می‌شود که در این زمینه نظریه‌های مختلف و متعددی از سوی دانشمندان و جامعه‌شناسان ارایه شده است، اینکه چه عوامل و دلایلی باعث گرایش به مهاجرت می‌شود دیدگاه‌ها و تبیین‌های نظری متفاوتی وجود دارد، مثلاً دورکیم از اولین جامعه‌شناسانی است که مساله افزایش جمعیت و تنظیم کار را مورد مباحث جدی قرار داده است، وی در خلال تقسیم کار اشاره به جابجایی انسانها و مهاجرت دارد. از نظر او مهاجرت‌ها پس از رنسانس آغاز می‌شوند. انسانها میل به جابجایی پیدا می‌کنند و در این میان انگیزه‌ای کار است که اینان را وادار به تحرک می‌سازد (راهشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸). وساختارگرایان شرایط فقر با ریسک بالا را سبب مهاجرت میدانند و افراد برای دگرگون کردن اقتصاد خانواده مهاجرت می‌کنند. بر اساس اصول این نظریه، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت اجتماعی در جوامع، علت اصلی مهاجرت‌ها محسوب می‌شود (سکلدان، ۲۰۰۲؛ استارک و تیلور، ۱۹۸۹) (محمدی و جعفری، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

اما در این تحقیق ما بیشتر به سراغ آن دسته از نظریه‌های خواهیم رفت که ارتباط مستقیم با موضوع مورد بررسی ما داشته و از قدرت تبیین‌کننده‌گی بیشتری برخوردار باشند.

نظریه جاذبه و دافعه

نخستین تبیین نظری در باره قانون مندی‌های مهاجرت توسط "ارنست جورج راونشتاین" تحت عنوان قوانین مهاجرت مطرح شد که طی دو مقاله در سال‌های ۱۸۸۵-۱۸۸۹ به چاپ رسید (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۳). او برای اولین بار استدلال کرد که مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قانونی خاصی بر آن حاکم است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۵). او با وضع قوانین جاذبه و دافعه مدعی شد که عوامل جاذب اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فرد را به سوی مهاجرت ترغیب و تحریک می‌کند، در مقابل شرایط نامطلوب اجتماعی و فیزیکی او را از سر زمین مالوف رانده و دفع می‌کند (ویکز، ۱۹۹: ۲۳۸) (راهشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۲).

در این نظریه هر عمل مهاجرتی وابسته به عوامل مربوط به کشور مبدأ، عوامل مربوط به کشور مقصد و عوامل فردی است، این نظریه بطور ساده بیان می‌دارد که برخی افراد به خاطر عوامل دافعه که در محل زندگی او می‌باشد و عوامل جاذبه که در مناطق دیگر وجود دارد مهاجرت می‌کنند (بنگ و میترا، ۲۰۱۱) (مصطفی زاده و عرب مازار، ۱۳۹۶: ۷). واگر افراد شرایط زندگی در مکان‌های دیگر را با توجه به شرایط بازار کار بهتر از مکان فعلی ارزیابی کنند و منافع مهاجرت نسبت به هزینه آن بیشتر باشد مهاجرت را انجام می‌دهند و مهاجرت زمانی انجام می‌شود که عوامل جذب قوی‌تر از عوامل دفع باشد (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۵).

نظریه جاذبه و دافعه اورت. اس. لی

بعد از راونشتاین، اورت لی نظریه جدید در مورد جاذبه و دافعه ارائه داد، وی مهاجرت را بر پایه جذب و دفع مهاجر در مکان و یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت تحلیل کرد (شهبازین، ۱۳۹۹، ۱۱۴). باز نویسی اورت لی (۱۹۶۶) از قوانین راونشتاین نیز در شناخت الگوهای مکانی و زمانی مهاجرت اهمیت ویژه دارد (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۵).

بر اساس مفروضات این نظریه

الف: عوامل جاذبه یا بر انگیزنده شامل: ۱-عوامل اقتصادی: توسعه اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار، امنیت سرمایه و

تسهیلات، ۲-عوامل سیاسی: دموکراسی، تمرکز زدایی، دیوان سالاری، سیاست کمک وهمیاری، ۳-عوامل اجتماعی و فرهنگی: نظم وقانون، جذابیت های تحصیلاتی و تحقیقی، رفاه بیشتر (سطح بالاتری از کیفیت زندگی).

ب: عوامل دافعه شامل: ۱-عوامل اقتصادی: فقر، تورم، فساد مالی و کشمکش های اقتصادی، کثرت نیروی کار، حقوق کم برای شغل های سخت و نیاز مند مهارت، میزان بالای مالیات، ۲-عوامل سیاسی: تعصب سیاسی، فقدان آزادی وغیره، ۳-عوامل اجتماعی و فرهنگی: ازدواج های قبل از وقت، خواسته های تحصیلاتی، نارضایتی زندگی، میزان جرم و جنایات ۴ -عوامل ناگهانی: جنگ، آزار و اذیت وشکنجه (Moghaddas, 2003: 5) (شرفی و مقدس, ۱۳۸۸: ۱۷۴).

طبق نظریه لی (۱۹۶۶) عواملی که در تصمیم گیری برای مهاجرت موثر است به چهار گروه کلی خلاصه می شوند.

1. عواملی که با حوزه مبدا ارتباط دارند یا عوامل که باعث ترک مکان مبدا میگردد.
2. عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند یا عواملی که باعث جذب مکان مقصد میگردد.
3. عوامل شخصی: این عوامل شامل هوش، آگاهی های اجتماعی، سن، جنس، میزان تحصیلات، مهارت، نژاد، گروه، قومیت وغیره (اندیشمند وهمکاران، ۱۳۹۸؛ ۵).
4. موانع بازدارنده یا موانع مداخله گر بین دومکان (مبدا و مقصد) مجموعه ای ازموانع وجود دارد که در مواردی مقدار آن کم و در مواردی مقدار آن زیاد است مانند: موانع فزینی، قوانین مهاجرت وغیره...می باشند (شیخ و فروتن، ۱۳۹۶: ۶۶).

نظریه اقتصاد نیوکلاسیک

قدیم ترین و شناخته شده ترین نظریه مربوط به مهاجرت های داخلی و بین المللی نظریه اقتصاد نیوکلاسیک است، که برای توضیح مهاجرت های کاری در فرایند توسعه اقتصادی بکار گرفته شده است (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۲). این نظریه ابتدا توسط رانیز، فای (۱۹۶۱) و تودارو (۱۹۶۹) مطرح و گسترش یافت، این رویکرد تفاوت دستمزد بین مبدا و مقصد را به عنوان علت ریشه ای تصمیم فرد به مهاجرت در نظر دارد (همان). و یا به عبارت دیگر، مهاجرت از تفاوت جغرافیایی عرضه و تقاضای نیروی کار وتفاوت درآمد بین کشورهای دارای نیروی کار و کشورهای دارای سرمایه نشات می گیرد (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۴).

این نظریه به دو بخش عمده تقسیم شده است ؛

۱- نظریه کلان اقتصاد نیوکلاسیک: طبق این نظریه مهاجرت بین المللی همانند مهاجرت داخلی به وسیله اختلاف جغرافیایی عرضه و تقاضای کالا به وجود می آید، در کشورهای دارای نیروی عظیم کار در مقابل سرمایه کم دستمزدها در بازار کم میباشد، درحالیکه کشورهای دارای محدودیت نیروی کار نسبت به سرمایه (سرمایه بیشتری درمقایسه با نیروی کار دارند) دستمزدهای بالا تری در بازار کاردارند، اختلاف دستمزد نیروی کار باعث میشود کارگران ازشورهای با دستمزد کم به سوی کشورهای با دستمزد زیاد حرکت کنند (شرفی و مقدس, ۱۳۸۸: ۱۷۲). این نظریه پدیده مهاجرت را درچارچوب عرضه و تقاضای نیروی انسانی بررسی میکند، همچنین با به کاربردن چارچوب عرضه و تقاضا برای نیروی انسانی ادعا می کند که پدیده مهاجرت تنظیم کننده نیروی کار است، تفاوت در دستمزد و نابرابری میان کشورها درعرضه وتقاضای نیروی کار باعث میشود که افراد از ناحیه ای با دستمزد پایین به ناحیه ای با دستمزد بالا مهاجرت کنند ولی این مهاجرت آنقدر ادامه مییابد تا

اختلاف دستمزد به جایی برسد که با هزینه های مهاجرت برابر شود (استارک، ۱۹۹۱) (مصطفی زاده و عرب مازار، ۱۳۹۶: ۷).

۲- نظریه خورد اقتصاد نئوکلاسیک (رویکرد هزینه - فایده): در این رویکرد به نمای فردی تصمیم به مهاجرت توجه می کنند، و مهاجرت کنشی در ارتباط با اختیار و ارده فرد در نظر گرفته میشود (smith, 1995) در این طرح عاملان و کنشگران عاقل منفرداً تصمیم به مهاجرت میگیرند زیرا محاسبه هزینه و فایده باعث میشود انتظار بازده خالص مثبتی را معمولاً بازده پولی از مهاجرت داشته باشند (مسی، ۱۳۶۴: ۸۶) (شرفی و مقدس، ۱۳۸۸: ۱۷۳).

نظریه سرمایه انسانی

تئوری سرمایه انسانی به عنوان متداول ترین تئوری مهاجرت در سطح خورد مطرح میشود که توسط سچاس تاد (۱۹۶۲) و گری بکر (۱۹۶۴) مطرح شده است (شیخ و فروتن، ۱۳۹۶: ۶۶). در این تئوری فرض بر این است، افرادی که از سطوح بهتر و بالاتری از توانمندی ها و سرمایه های انسانی بهره مند هستند معمولاً از زمینه ها و انگیزه های بیشتری برای مهاجرت نیز برخوردار می باشند (همان). به عبارت دیگر؛ در این سطح ویژه گی های اجتماعی و جمعیتی افراد نظیر تحصیلات، مهارت، جنس، سن، وضعیت تاهل و شغل به عنوان تعیین کننده های مهاجرت در نظر گرفته میشوند، مثلاً احتمال مهاجرت با افزایش سن کاهش و با افزایش تحصیلات افزایش می یابد، هدف مهاجرت به حد اکثر رساندن منافع فردی است و سرمایه انسانی به عنوان یک عامل مهم دریافتن شغل با دستمزد مناسب در مقصد در تصمیم گیری مهاجرت اثرگذار است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۵).

بر اساس این نظریه خروج نیروهای متخصص مربوط به مسائل داخلی کشورهای توسعه نیافته است، بطور کلی این کشورها با سوء مدیریت خود و تحت تاثیر عوامل درونزای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش زمینه های بروز فرار مغزها را بوجود می آورند. براین اساس وجود نظام های کهنه آموزشی، فقدان برنامه ریزی کافی جهت آموزش دانشجویان وعدم بهره برداری مناسب از مهارت و تخصص دانش آموختگان در کشورهای توسعه نیافته اولین زمینه های خروج عینی و ذهنی نیروهای متخصص را فراهم میسازد (جعفری معطر، ۱۳۸۷: ۸۲ و ۳) (راهشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۴).

نظریه شبکه مهاجرت

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تئوری شبکه مهاجرت بطور مشخص توسط " داگلاس مسی " مطرح شد (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۳). مسی شبکه های مهاجرت را مجموعه ای از روابط بین اشخاص تعریف کرده که از طریق نسبت های خویشاوندی، دوستی و اشتراک در جامعه مبدا مهاجران را به مهاجران قبلی در مقصد و به غیر مهاجران در نواحی مبدا پیوند میدهد (مسی، ۱۹۹۰: ۷) (راهشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱). به عبارت دیگر، شبکه های مهاجرت مجموعه ای از روابط بین اشخاص هستند که مهاجران سابق در مقصد و غیرمهاجران را در مبدا از طریق نسبت های خویشاوندی و روابط دوستانه با یکدیگر مرتبط می کنند حتی افراد به دلیل داشتن این روابط ممکن است به صورت های غیر قانونی نیز اقدام به مهاجرت کنند (زنو و یاک، ۲۰۰۶) (مصطفی زاده و عرب مازار، ۱۳۹۶: ۷).

شبکه مهاجران مهاجرت را به چند روش آسان تر می کند:

۱. افراد در تماس با مهاجران در می یابند در جایی دیگر نظریه محل اقامت فعلی شان ممکن است از رفاه بیشتری برخوردار شوند.

2. شبکه‌های مهاجر با کسب اطلاعات در باره راه‌های ایمن و ارزان و یا راه‌های قاچاق هزینه‌های مسافرتی را کاهش می‌دهند.

3. همچنین این شبکه موجب کاهش هزینه‌های عاطفی نیز می‌شوند زیرا اگر مهاجران به محیطی وارد شوند که مردم به زبان خود آنها صحبت کنند از شوک شان کاسته و از طرد شده‌گی جلوگیری میشود.

4. شبکه‌های مهاجر با کمک به افراد در پیدا کردن شغل، منافع مورد انتظار از مهاجرت را افزایش داده و به کاهش هزینه‌های زنده‌گی مهاجر جدید کمک میکنند (کاظمی پور، ۱۳۸۶) (راهشخو و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱).

5. سرانجام میتوان بیان داشت که، شبکه‌های مهاجران با کاهش هزینه‌ها و مخاطرات مرتبط و افزایش منافع آن میزان مهاجرت را افزایش میدهند (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۷).

نظریه محرومیت نسبی

تئوری محرومیت نسبی ازسوی "تد رابرت گار" درکتاب چرا انسانها شورش می کنند ارائه شده است (مسعود نیا، ۱۳۹۴: ۶۷). محرومیت به معنای فقدان هر نوع فرصت و عدم دسترسی به منابع است (کوه بنانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۰). و محرومیت نسبی عبارت از اختلاف بین سطح زنده‌گی موجود فرد و زنده‌گی مطلوب او (همان، ص ۱۲). شکل‌گیری احساس محرومیت صرفا ناشی از محرومیت و تبعیض نیست بلکه به عوامل مختلف دیگری همچون سطح سواد، آگاهی طبقه اجتماعی، تعاملات برون و درون گروهی و غیره مرتبط است (Lohm, 2006; 35) (مسعود نیا، ۱۳۹۴: ۷۰).

انواع محرومیت

1. محرومیت اقتصادی: محرومیت دسترسی به غذا، سر پناه، خدمات، آموزش و سلامت را شامل میشود (کوه بنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

2. محرومیت سیاسی و امنیت: عدم امکان حد اقل مشارکت در تعیین موقعیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در یک محدوده جغرافیایی یا ملی (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵: ۵۰) (همان، ص ۱۱۱).

3. محرومیت اجتماعی و فرهنگی: به معنای عدم برخورداری از استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی مورد قبول جامعه.

4. محرومیت محیطی و کالبدی: به محیط فیزیکی و زیست افراد اشاره دارد و شامل امکانات و خدمات زیربنایی و کیفیت و خدمات مسکن و محیط زیست است (همان).

این نظریه بیان گر آن است که احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب تحت شرایط خاصی موجب مهاجرت میشود، براساس این نظریه زمانیکه جامعه قادر به تامین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش می‌یابد، که یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که درچنین شرایطی احتمال وقوع آن افزایش می‌یابد درشرایط محرومیت نسبی افراد برای رفع محرومیت خویش ازامکانات مادی و معنوی اقدام به مهاجرت می‌کنند (لهسایی زاده، ۱۳۶۹: ۳۶).

جدول شماره ۲: تلخیص مبانی نظری تحقیق

شماره	نام نظریه	نام نظریه پرداز	مدعیات اصلی
۱	جاذبه و دافعه	ارنست جورج راونشتاین (۱۸۸۵-۱۸۸)	او با وضع قوانین جاذبه و دافعه در مهاجرت مدعی شد که عوامل جاذب اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فرد را ترغیب و تحریک می کند. و در مقابل شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فرد را از سر زمین مالوف رانده و دفع می کند.
۲	جاذبه و دافعه	اورت. س. لی (۱۹۶۶)	عواملی که در تصمیم گیری برای مهاجرت موثر است به چهار گروه کلی خلاصه میشوند. ۱-عوامل که در حوزه مبدا است. ۲-عوامل که با حوزه مقصد ارتباط دارد. ۳-عوامل شخصی. ۴-موانع باز دارنده.
۳	اقتصاد نئوکلاسیک	دانیل، فای و تودارو (۱۹۶۱) و (۱۹۶۹)	این رویکرد تفاوت دستمزد بین مبدا و مقصد را به عنوان علت ریشه ای تصمیم فرد به مهاجرت در نظر می گیرند.
۴	سرمایه انسانی	سجاس تاد و گری بکر (۱۹۶۲) و (۱۹۶۴)	مسائل داخلی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) زمینه های بروز فرار مغزها را بوجود می آورند. همچنان افرادی که از سطوح بهتر و بالاتری از توانمندی ها و سرمایه های انسانی بهره مند هستند معمولاً از زمینه ها و انگیزه های بیشتری برای مهاجرت نیز برخوردار می باشند.
۵	شبکه مهاجرت	داگلاس مسی (۱۹۹۰)	شبکه مهاجرت مجموعه ای از روابط بین اشخاص هستند که از طریق نسبت های خویشاوندی، دوستی و اشتراک در جامعه مبدا، مهاجران را به مهاجران قبلی در مقصد و به غیر مهاجران در مبدا پیوند میدهد.
۶	محرومیت نسبی	تد رابرت گار (۱۹۹۸)	احساس محرومیت از برخی ارزش ها و امور مطلوب تحت شرایط خاصی موجب مهاجرت میشود.

چارچوب نظری تحقیق

مهاجرت بصورت عموم در سطح جهان و به صورت خاص در افغانستان (شهر کابل) یک مسئله پیچیده است که دارای ابعاد و زوایای مختلف می باشد، و با موضوعات عدیده ای مانند: محدودیت ها، محرومیت ها و یا هم شوق و علایق فرد و غیره گره خورده و در هم تنیده است، بناءً باید از ابعاد و زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرارگیرد، با درنظر داشت این موضوع در مبانی نظری این تحقیق از نظریه های مختلف استفاده به عمل آمده است. با توجه به دیدگاه ها و نظریات مطروحه در این حوزه میتوان بیان داشت که؛ مهاجرت همواره و درجوامع گوناگون وجود داشته است و عبارت از حرکت مکانی و جغرافیایی

انسان‌ها بصورت فردی یا گروهی است، که در داخل و یا خارج از یک کشور صورت می‌گیرد، و ممکن است داوطلبانه باشد یا هم اجباری و عوامل متعددی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مبدا و مقصد، محرومیت نسبی، شبکه مهاجرت و ارتباطات و... در گرایش به مهاجرت در بین جوانان در شهر کابل نقش اساسی دارند.

از جمع نظریات متعددی که در مبانی نظری این تحقیق بکار برده شده است میتوان بصورت تلفیقی نظریه‌های (جاذبه و دافعه، شبکه مهاجرت و محرومیت نسبی) را به عنوان چارچوب نظری این تحقیق مورد استفاده قرار داد و به خدمت گرفت، چون این نظریه‌ها از قدرت تبیین کننده گی بیشتری برخوردار اند و میتوانند ابعاد گوناگون گرایش به مهاجرت را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

براساس نظریه جاذبه و دافعه می توانادعا کرد که، عوامل گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میزان گرایش جوانان شهر کابل به مهاجرت نقش اساسی دارند.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی، احساس محرومیت از برخی ارزش‌ها و امور مطلوب تحت شرایط خاصی در حوزه مبدا موجب گرایش به مهاجرت میشود، مانند: محرومیت از دسترسی به غذا، سرپناه، خدمات آموزشی و سلامت، عدم امکان مشارکت در تصمیم گیری‌های سیاسی، فقدان پاداش‌های اجتماعی نظیر: حیثیت، قدرت، منزلت اجتماعی، نابرابری اجتماعی... زمینه ساز گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل می گردد.

مطابق تئوری شبکه مهاجرت، داشتن روابط با افراد و خویشاوندان در سایر کشورها نیز سبب مهاجرت جوانان می گردد چون آنها در ابعاد مختلف به افراد کمک و همکاری می نمایند مثلاً: شبکه مهاجرت، در باره راه‌های ایمن و ارزان و یا راه‌های قاچاق معلومات داده هزینه‌های مسافرتی را کاهش می دهد، در پیدا کردن شغل به افراد کمک میکند، موجب کاهش هزینه‌های عاطفی نیز می شود و غیره...

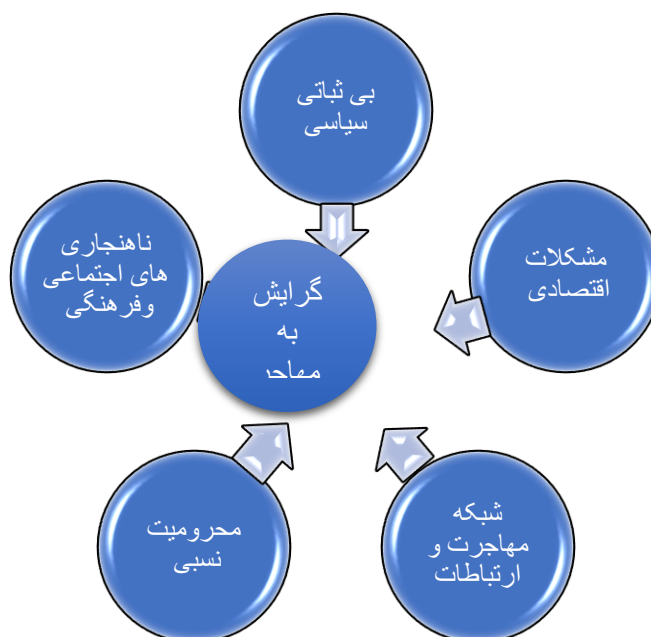
بصورت کل میتوان اذعان داشت که موضوعات ذکر شده به اشکال و ابعاد گوناگون در جامعه آماری (شهر کابل) وجود دارد و جوانان با توجه به دافعه‌های موجود در افغانستان (شهر کابل) و جاذبه‌های موجود در کشورهای مقصد و در عین حال شبکه مهاجرت و ارتباطات در خارج از کشور به مهاجرت گرایش پیدا نموده، آماده ترک وطن شده و سر انجام اقدام به مهاجرت می نمایند.

فرضیه‌های تحقیق

1. در سال اخیر میزان گرایش جوانان شهر کابل به مهاجرت افزایش یافته است.
2. میان مشکلات اقتصادی و گرایش به مهاجرت در بین جوانان رابطه مثبت و معنا دار و حود دارد.
3. بین بی ثباتی سیاسی و گرایش به مهاجرت در بین جوانان رابطه مثبت و معنا دار و حود دارد
4. بین نا هنجاری‌های اجتماعی- فرهنگی و گرایش به مهاجرت در بین جوانان رابطه مثبت و معنا دار و حود دارد
5. میان احساس محرومیت نسبی و گرایش به مهاجرت در بین جوانان رابطه مثبت و معنا دار و حود دارد.
6. بین شبکه مهاجرت و ارتباطات با افراد در خارج از کشور و گرایش به مهاجرت در بین جوانان رابطه مثبت و معنا دار و حود دارد.

مدل تحلیل تحقیق

مدل تحلیل تحقیق حاضر در برگیرنده مفهوم، ابعاد و شاخص های می باشند که از مطالعه مبانی نظری و در ارتباط با فرضیه های تحقیق ساخته شده است و با توجه به مدل تحقیق سوالات برای گرد آوری اطلاعات از میدان تحقیق طرح گردیده است.



روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف تبیینی، از نظر ماهیت داده های تحقیق کمی، روش جمع آوری داده ها پیمایشی و کتاب خانه ای، از نظر واحد تحلیل غیر موردی و از لحاظ نتیجه کار بردی می باشد، جامعه آماری این تحقیق شهرکابل انتخاب شده است، که موضوع تحقیق عبارت از بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن می باشد، واحد تحلیل عبارت از میزان گرایش به مهاجرت و واحد مشاهده شهروندانی است که در شهر کابل زنده گی دارند.

همچنان موضوع مشاهده این تحقیق شامل دو دسته ازمغیرها میشوند که عبارتند از:

۱- متغیر وابسته: (میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن).

۲- متغیرهای مستقل: (عوامل اقتصادی، بی ثباتی سیاسی، ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی، محرومیت نسبی و شبکه مهاجرت) می باشند.

از آنجا که حجم جامعه آماری زیاد بوده و مراجعه به هریک از اعضای این جمعیت امکان پذیر نبوده است، بناءً و یا بنا بر ای این به انتخاب نمونه جامعه آماری پرداخته شده است، روش نمونه گیری غیراحتمالی و به شیوه آسان انتخاب شده است و پرسشنامه به هرعضوی از اعضای جامعه آماری که حاضر به پاسخ گفتن شده اند توزیع گردیده است. برای جمع آوری اطلاعات در این تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است و سپس معرفها تبدیل به گویهها شده و در قالب طیف لیکرت تنظیم شده اند، به منظور اعتبار سنجی و استاندارد سازی پرسشنامه، پایایی و روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته اند، روایی (اعتبار) پرسشنامه پس از بررسی آن توسط اساتید دانشگاه و متخصصین این حوزه مورد تأیید قرار گرفته است. به منظور بررسی پایایی (اعتماد) پرسشنامه مورد آزمون آلفای کرانباخ قرار گرفته است که میزان آلفای کرانباخ هر مقیاس بالاتر از ۰،۶۰، بوده است.

جدول شماره ۳: نوعیت متغیرها

شماره	نام متغیر	نوع متغیر	تعداد گویه	میزان الفای کرانباخ
۱	گرایش به مهاجرت	وابسته	۲	۰،۸۸
۲	مشکلات اقتصادی	مستقل	۵	۰،۷۵
۳	بی ثباتی سیاسی	"	۶	۰،۸۹
۴	ناهنجاری های اجتماعی- فرهنگی	"	۳	۰،۶۳
۵	محرومیت نسبی	"	۲	۰،۶۲
۶	شبکه مهاجرت و ارتباطات	"	۵	۰،۷۸

به منظور تعیین حجم نمونه، ابتدا یک تحقیق مقدماتی انجام شده که در آن به تعداد ۳۰ پرسشنامه با شیوه نمونه گیری مورد نظر اعضای جامعه آماری توزیع شده است، به اساس اطلاعات همین ۳۰ پرسشنامه مقدار واریانس و میزان خطای میانگین بدست آمده است. و به این ترتیب با استفاده از فرمول شارپ کوکران تعداد نمونه در این تحقیق ۱۱۵ تن مشخص گردیده است.

$$S^2=1,44$$

$$D^2=0,22$$

$$n = \frac{1,96^2 \cdot s^2}{d^2} = \frac{3,84.1,44}{0,22^2} = \frac{5,529}{0,048} = 115$$

تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده های این تحقیق در سه سطح آماری یعنی آمار توصیفی، آمار تحلیلی و آمار استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. در سطح آمار توصیفی، ویژه گی های جمعیت شناختی پاسخگویان مورد توصیف قرار گرفته است، در سطح آمار تحلیلی برای متغیر شاخص کمی ساخته شده و به تحلیل آماره های مرکزی و آماره های پراکندگی شاخص های مذکور پرداخته شده است و همچنان در سطح آمار استنباطی، متغیر اصلی تحقیق مورد آزمون رگرسیون قرار گرفته است.

توصیف خصوصیات جمعیت شناختی پاسخگویان

تعداد مجموعی پاسخگویان ۱۱۵ تن بوده که از نظر جنسیت، تعداد ۱۰۶ تن که ۹۲،۲ درصد را تشکیل میدهد مرد و به تعداد ۹ تن که ۷،۸ درصد را شامل میشود زن می باشد. از نظر حالت مدنی به تعداد ۷۶ تن که ۶۶،۱ درصد را تشکیل میدهد مجرد و به تعداد ۳۹ تن که ۳۳،۹ درصد را تشکیل میدهد متاهل میباشد.

از نظر سنی اعضای نمونه به ۴ رده سنی توزیع گردید است که اکثریت پاسخگویان در دو رده سنی کمتر از ۲۰ سال و ۲۱ تا ۳۰ سال قرار می گیرند. تعداد ۳۴ تن که ۲۹،۶ درصد را در بر می گیرد در رده سنی کمتر از ۲۰ سال و ۶۴ تن که ۵۵،۷ درصد را شامل میشود در رده سنی ۲۱ تا ۳۰ سال قرار دارند.

از نظر شغلی ۵۴ تن که ۴۷ درصد می باشد متعلم، ۸ تن که ۷ درصد را تشکیل میدهد محصل، ۲۵ تن که ۲۱،۷ درصد را تشکیل میدهد شغل آزاد و ۲۸ تن که ۲۴،۳ درصد را تشکیل میدهد کارمند ادارات مختلف می باشند.

از لحاظ قومی ۲۲ تن که ۱۹،۱ درصد را تشکیل میدهد پشتون، ۵۱ تن که ۴۴،۳ درصد را به خود اختصاص داده است تاجک، ۲۵ تن که ۲۱،۷ درصد را به خود اختصاص داده است متعلق به قوم هزاره و ۱۷ تن دیگر که ۱۴،۸ درصد را شامل میشود مربوط به سایر اقوام می باشند.

از نظر محل سکونت اکثریت مطلق اعضای نمونه ساکن شهر کابل می باشد. و از نظر مذهب به تعداد ۹۰ تن که ۷۸،۳ درصد را شامل میشود سنی مذهب و ۲۵ تن که ۲۱،۷ درصد را شامل میشود متعلق به مذهب شیعه می باشند.

جدول شماره ۴: اعضای نمونه بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی

نوع متغیر	رده ها	حجم نمونه	بی جواب	فراوانی رده ها	در صدی رده ها
جنسیت	مرد	۱۱۵	۰	۱۰۶	۹۲،۲
	زن	۱۱۵	۰	۹	۷،۸
حالت مدنی	مجرد	۱۱۵	۰	۷۶	۶۶،۱
	متاهل	۱۱۵	۰	۳۹	۳۳،۹
سن	کمتر از ۲۰	۱۱۵	۰	۳۴	۲۹،۶
	بین ۲۰ تا ۳۰	۱۱۵	۰	۶۴	۵۵،۷
	بین ۳۱ تا ۴۰	۱۱۵	۰	۱۶	۱۳،۹
	بالاتر از ۴۰	۱۱۵	۰	۱	۰،۹
شغل	متعلم	۱۱۵	۰	۵۴	۴۷
	محصل	۱۱۵	۰	۸	۷
	شغل آزاد	۱۱۵	۰	۲۵	۲۱،۷
	کارمند ادارات	۱۱۵	۰	۲۸	۲۴،۳
	شهر	۱۱۵	۰	۱۱۴	۹۹،۱
محل سکونت	ولسوالی	۱۱۵	۰	۰	۰
	دهات	۱۱۵	۰	۱	۰،۹
	پشتون	۱۱۵	۰	۲۲	۱۹،۱

۴۴،۳	۵۱	۰	۱۱۵	تاجک	
۲۱،۷	۲۵	۰	۱۱۵	هزاره	
۰	۰	۰	۱۱۵	ازبک	
۱۴،۸	۱۷	۰	۱۱۵	سایر اقوام	
۷۸،۳	۹۰	۰	۱۱۵	سنی	مذهب
۲۱،۷	۲۵	۰	۱۱۵	شیعه	

توصیف میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل

برای سنجش میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن، سوال‌های ذیل با پاسخگویان در میان گذاشته شده است: ۱. من تمایل شدیدی به مهاجرت دارم. ۲. من تا حدی تمایل به مهاجرت دارم.

از مندرجات جدول شماره ۵ معلوم می‌گردد که از جمله ۱۱۵ تن پاسخگو به تعداد ۱۲ تن که ۱۰٫۴ درصد جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند، کاملاً مخالف و به تعداد ۱۰ تن که ۸٫۷ درصد اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند مخالف، به تعداد ۲ تن که ۱٫۷ درصد اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند نظر نداده، به تعداد ۴۰ تن که ۳۴٫۸ درصد اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند موافق و به تعداد ۵۱ تن که ۴۴٫۳ درصد کل اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند کاملاً موافق با این سوال هستند. پس معلوم می‌گردد میزان تمایل به مهاجرت در شهر کابل خیلی بالا است.

جدول شماره ۵: من تمایل شدیدی به مهاجرت دارم

تجمعی در صدی	درصدی معتبر	درصدی	تعداد	
۱۰،۴	۱۰،۴	۱۰،۴	۱۲	کاملاً مخالفم
۱۹،۱	۸،۷	۸،۷	۱۰	مخالفم
۲۰،۹	۱،۷	۱،۷	۲	نظری ندارم
۵۵،۷	۳۴،۸	۳۴،۸	۴۰	موافقم
۱۰۰،۰	۴۴،۳	۴۴،۳	۵۱	کاملاً موافقم
	۱۰۰،۰	۰،۱۰۰	۱۱۵	مجموع

محتویات جدول شماره ۶ نشان میدهد که از جمله ۱۱۵ تن پاسخگو به تعداد ۶ تن که ۵٫۲ درصد جمعیت اعضای نمونه را تشکیل می دهند کاملاً مخالف، به تعداد ۱۰ تن که ۸٫۷ درصد اعضای نمونه را تشکیل میدهند مخالف، به تعداد ۱ تن که ۰٫۹ درصد اعضای نمونه را تشکیل میدهند نظر نداده اند، به تعداد ۴۳ تن که ۳۷٫۴ درصد اعضای نمونه را تشکیل میدهند موافق و به تعداد ۵۵ تن که ۴۷٫۸ درصد کل اعضای نمونه را تشکیل میدهند کاملاً موافق با این سوال هستند. پس از این سوال نیز معلوم میگردد که میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل بلند است.

جدول شماره ۶: من تاحدی تمایل به مهاجرت دارم

تعداد	درصدی	درصدی	تجمعی در
-------	-------	-------	----------

صدی	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۵،۲	۵،۲	۵،۲	۶	کاملاً مخالفم
۱۳،۹	۸،۷	۸،۷	۱۰	مخالفم
۱۴،۸	۰،۹	۰،۹	۱	نظری ندارم
۵۲،۲	۳۷،۴	۳۷،۴	۴۳	موافقم
۱۰۰،۰	۴۷،۸	۴۷،۸	۵۵	کاملاً موافقم
	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	۱۵۵	مجموع

عوامل موثر بر مهاجرت در بین جوانان شهر کابل

متغیرهای چون (مشکلات اقتصادی، بی ثباتی سیاسی، نا هنجاری های اجتماعی و فرهنگی، محرومیت نسبی و شبکه مهاجرت) به عنوان عوامل موثر بر میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل مورد سنجش قرار گرفته است. جدول شماره ۷ نشان میدهد که آماره میانگین در شاخص مشکلات اقتصادی ۳،۹۴۴۴ در شاخص بی ثباتی سیاسی ۴،۰۱۱۱ در شاخص نا هنجاری های اجتماعی و فرهنگی ۳،۹۵۰۰ در شاخص محرومیت نسبی ۳،۷۲۵۰ و در شاخص شبکه مهاجرت و ارتباطات ۳،۴۰۰۰ می باشد. بنا بر این دیده میشود که در یک پیوستار ۱ تا ۵ نقش عوامل فوق نزدیک به زیاد از سوی پاسخگویان مطرح شده است. چنانچه دیده میشود تفاوت بین انداره های شاخص ها کم است و مقادیر واریانس آنها نیز کم میباشد. آمار چولگی در اکثر شاخص ها منفی است که این امر نشان میدهد نظر اکثریت پاسخگویان بالاتر از حد میانگین است. آمار کشیدگی در شاخص مشکلات اقتصادی ۱،۶۸۱ در شاخص بی ثباتی سیاسی ۷۳۷-، در شاخص نا هنجاری های اجتماعی و فرهنگی ۰،۴۲۷ در شاخص محرومیت نسبی ۱،۸۱۲ و در شاخص شبکه مهاجرت و ارتباطات ۰،۳۲۸ می باشد، یعنی اینکه توزیع فراوانی در شاخص های اقتصادی، اجتماعی و محرومیت نسبی دارای کشیده گی به سمت بالا، در شاخص شبکه مهاجرت نورمال بوده و در شاخص سیاسی دارای کشیده گی به سمت پایین است. کمترین مقدار در شاخص اقتصادی ۲،۰۰ در شاخص سیاسی ۲،۳۳ در شاخص اجتماعی ۲،۰۰ در شاخص محرومیت ۱،۵۰ و در شاخص شبکه مهاجرت ۲،۰۰ میباشد. و بیشترین مقدار در شاخص اقتصادی ۴،۸۳ در شاخص سیاسی ۵،۰۰ در شاخص اجتماعی ۵،۰۰ در شاخص محرومیت ۵،۰۰ و در شاخص شبکه مهاجرت نیز ۵،۰۰ میباشد.

جدول شماره ۷: شاخص های کمی عوامل گرایش به مهاجرت

مشکلات اقتصادی	بی ثباتی سیاسی	نا هنجاری های اجتماعی و فرهنگی	محرومیت نسبی	شبکه مهاجرت	تعداد پاسخگویان	معتبر
۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	۱۱۵	معتبر
۰	۰	۰	۰	۰	۰	بی جواب

۳،۴ ۰۰۰	۳،۷۲ ۵۰	۳،۹۵۰ ۰	۴،۰۱ ۱۱	۳،۹۴۴ ۴	میانگین
۰،۴ ۵۳	۰،۵۲ ۳	۰،۴۶۳	۰،۵۵ ۲	۰،۴۱۶	واریانس
۰۰۷ ،	۰،۸۹۱ -	-،۶۸۷	-،۵۰۶	-۱،۰۰۵	چولگی
۰،۳ ۲۸	۱،۸۱ ۲	۱،۰۰۲	،۷۳۷ -	۱،۶۸۱	کشیدگی
۲،۰ ۰	۱،۵۰	۲،۰۰	۲،۳۳	۲،۰۰	کمترین مقدار
۵،۰ ۰	۵،۰۰	۵،۰۰	۵،۰۰	۴،۸۳	بیشترین مقدار

برای معلوم کردن اینکه کدام یک از عوامل فوق نقش بیشتری در افزایش گرایش به مهاجرت دارند، از آزمون ریگرسیون خطی چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در این آزمون تنها متغیر نا هنجاری های اجتماعی-فرهنگی وارد معامله رگرسیون شده است که نشان میدهد نا هنجاری های اجتماعی - فرهنگی نسبت به سایر متغیرها نقش موثر و تعیین کننده ای در افزایش میزان گرایش به مهاجرت دارد. از محتویات مندرج در جدول شماره ۸ معلوم میگردد که نزدیک به ۴۲،۲۰ درصد از کم و کیف میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل مربوط به متغیر عوامل اجتماعی - فرهنگی میباشد و یک نوع همبستگی متوسط و رابطه معنی داری بین نا هنجاری های اجتماعی-فرهنگی و میزان گرایش به مهاجرت وجود دارد. همچنان آماره مربوط به سطح معنا داری یا Sig نیز به مقدار ۰۰۲۰ می باشد که نیز نشان میدهد رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود دارد.

جدول شماره ۸: تاثیر متغیرهای مستقل برمتغیر وابسته ازطریق آزمون رگرسیون

سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Df	جمع مجذورات	مدل
۰۰۲۰ ^b	۶،۰۷۴	۷،۵۲۳	۱	۷،۵۲۳	Regression
		۱،۲۳۹	۲۸	۳۴،۶۸۴	Residual
			۲۹	۴۲،۲۰۷	Total
a. Dependent Variable میزان گرایش به مهاجرت					
b. Predictors: (Constant) نا هنجاری های اجتماعی-فرهنگی					

نتیجه گیری

گرایش به مهاجرت یکی از موضوعات جدی اجتماعی در افغانستان بوده که تاثیر نا مطلوب و نه چندان خوش آیند در حال و آینده بر این جامعه دارد. از آنجایی که ابعاد اجتماعی مهاجرت از سایر بخش‌ها و ابعاد آن برجسته تر است، تحقیق با رویکرد جامعه‌شناسانه میتواند ما را به تبیین دقیق تر و هر چه بهتر این موضوع کمک نماید. در این تحقیق که با چنین رویکردی به بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و عوامل مرتبط به آن پرداخته شده است، از یافته‌های تحقیق حاضر چنین بر می‌آید که اکثریت پاسخگویان گرایش بالایی به مهاجرت دارند. چنانچه میانگین میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل در یک طیف یا پیوستار ۱ تا ۵، (۳،۷۵) یعنی نزدیک به گزینه زیاد می‌باشد. همچنان عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، محرویت نسبی و شبکه مهاجرت و ارتباطات در میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل نقش اساسی و تاثیر گذار دارند. نکته دیگری را که میتوان در مورد یافته‌های تحقیق مطرح نمود و بیان داشت این است که متغیر نا هنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی (وجود نابرابری‌های اجتماعی، عدم شایسته سالاری در استخدام به وظایف، نیاز به پیشرفت تحصیلی و شغلی...) بیشتر از هر متغیر دیگری در افزایش میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان نقش داشته است. بررسی میزان گرایش به مهاجرت در بین جوانان شهر کابل و اطراف آن، می‌تواند به درک بهتر نیازها و دغدغه‌های اصلی جوانان کمک کند و راهکارهایی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در داخل کشور ارایه دهد، این تحقیق با شفاف سازی علل و پیامدهای مهاجرت می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا سیاست‌هایی بهتری برای کاهش مهاجرت و ایجاد فرصت‌هایی شغلی و آموزشی در داخل کشور تدوین کنند.

پیشنهادهات

برای جلوگیری از گرایش به مهاجرت میتوان موارد ذیل را پیشنهاد نمود.

- اشتغالزایی و سرمایه گذاری داخلی.
- استحکام بیشتر سیاسی.
- ایجاد زمینه آموزشی و تحصیلی در داخل کشور.
- تشویق، حمایت و توجه به جوانان.

فهرست منابع:

1. اکبری، یونس. (1399). فهم ذهنی مهاجران از جاذبه و دافعه مقصد و مبدا مهاجرت. جمعیت‌شناسی ایران، 15 (30)، 342-321.
2. اکبری، یونس، بوچانی، محمد حسین و محمودیانی، سراج الدین. (1399). دلایل و مسایل مرتبط به مهاجرت از دیدگاه مهاجران. فصلنامه مطالعات جمعیتی، 6 (1)، 129 - 157.
3. بارز، عابدین (1388). گفتارهایی در زمینه‌ای جامعه، فرهنگ آزادی و تعلیم و تربیت. کابل: میوند.
4. بزرگ زاد، سعیده (1398). نگرش نخبگان به عوامل، اقتصادی و علمی در مبدا و مقصد و تاثیر آن بر گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور. انجمن جمعیت‌شناسی ایران، 14 (28)، 141 - 169.
5. حق دوست، علی اکبر، نوری، سمیه، طلایی، بهروز، افشار، رضا، صلواتی، بهرام، بهزادی، فهیمه و بذرافشان، اعظم. (1401). بررسی عوامل موثر بر مهاجرت نیروی انسانی در حوزه سلامت. نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت، 6 (2)، 205 - 213.

6. راهشخو، مریم، رفعیان، مجتبی و امینی، الهام (1391). بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایران به خارج از کشور. فصلنامه پژوهش اجتماعی، 4، (16)، 84 – 104.
7. شرفی، زکیه و مقدس، علی اصغر (1388). بررسی عوامل بر انگیزنده گرایش به مهاجرت بین المللی جوانان 18 – 30 ساله شهرهای شیراز و زنجان. مجله جامعه شناسی ایران، 10، (1)، 162 – 190.
8. شهبازین، سعیده (1399). چرا افراد مهاجرت می کنند. فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای، 5، (13)، 109 – 138.
9. شیخ، مرتضی و فروتن، یعقوب (1396). بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین المللی. جامعه نهادهای اجتماعی، 4، (10)، 61 – 79.
10. کوین، بروس. (1386) مبانی جامعه شناسی، تهران: سمت.
11. لهسایی زاده، عبدالعلی (1369). نظریات مهاجرت. تهران: نوید.
12. محمدی، احمد و جعفری، مصطفی. (1398). بررسی تاثیر مهاجرت های بین المللی، مهاجرت پذیری و شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشور افغانستان). فصلنامه کاتب، 6، (13) 103 – 122.
13. محمودیان، حسین و محمودیانی، سراج الدین (1397). بررسی وضعیت مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران با تاکید بر دوره های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵. تهران: سمت.
14. مسعود نیا، حسین، هوشیار منش، مریم و قارداشی، سمیه. (1394) نارضایتی اقتصادی و جنبش های معاصر خاورمیانه براساس نظریه محرومیت نسبی. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، 3، (2)، 63 – 88.
15. مصطفی زاده، محمد و عرب مازار، علی اکبر. (1396). تاثیر نهادهای حکمرانی بر مهاجرت های بین المللی نیروی کار ایران. سیاست گذاری اقتصادی، 10 (20)، 1 – 33.
16. موسوی، سیده زهرا وزرقانی، سید هادی (1392). مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی، 16، (1)، 9 – 26.
17. نیازی، صغرا و موحد، مجید. (1397) بررسی گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان. پژوهش زنان، 6، (1)، 29 – 54.